



## ضرورت فقه هوشمند در سرعت تحولات جهانی

رئیس مرکز پژوهش‌های اسلامی مجلس شورای اسلامی در هفتمین وبینار کرونا با موضوع «چالش‌های نظری کرونا در علوم اسلامی»، بر ضرورت فقه هوشمند در سرعت تحولات جهانی تأکید کرد.

رئیس مرکز پژوهش‌های اسلامی مجلس شورای اسلامی در هفتمین وبینار کرونا با موضوع «چالش‌های نظری کرونا در علوم اسلامی»، بر ضرورت فقه هوشمند در سرعت تحولات جهانی تأکید کرد.

به گزارش خبرنگار مهر، به همت پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی و همکاری دانشگاه‌های امام صادق (ع) و باقرالعلوم (ع)، هفتمین وبینار کرونا با موضوع «چالش‌های نظری کرونا در علوم اسلامی» ۲۴ فروردین ماه با حضور آیت الله احمد مبلغی، حجج اسلام رضا برنجکار و علی امینی نژاد برگزار شد.

آیت الله احمد مبلغی عضو مجلس خبرگان رهبری و رئیس مرکز پژوهش‌های اسلامی مجلس شورای اسلامی در این نشست یک مقدمه، دو فرصت، و دو چالش کرونا را برای فقه مطرح کردند.

وی در مقدمه به چهار نکته اشاره کرد:

۱. ویروس کرونا فرصت‌ها و چالش‌های زیادی را در زمینه‌های مختلف به وجود آورده است و از آنجا که فعلاً در درون این وضعیت هستیم، شاید امکان رصد و تحلیل جامع از آن کاری دشوار باشد و باید منتظر شد تا بتوان بعد از کرونا بحث‌های جدی‌تری را دنبال کرد. در این میان، یکی از دانش‌هایی که در معرض کرونا قرار گرفته، دانش فقه است که فراروی آن فرصت‌ها و چالش‌های تازه‌ای را گشوده است. در این باره ضرورت دارد فرصت و چالش‌ها باهم در نظر گرفته شود تا بتوان نقطه‌های چالشی را کم کرده و فرصت‌ها ایجاد شده را برای تعالی اجتماعی فقه و دین، و همین‌طور افزایش تجربه فقهی فعال کرد.

۲. چالش‌های به وجود آمده برای فقه، نه متوجه شریعت است و نه متوجه جان مایه‌ها و اصالت‌های فقهی. چالش‌های برآمده از کرونا، متوجه تجربه فقهی و میراث فقهی و نگرش برخی از علمای فقیه است. از این رو باید تفکیک کرد بین جان مایه‌های فقهی و تجربه فقهی که در حال صیوریت و شدن است.

۳. این چالش‌ها، هرچند چالش هستند ولی بسیار مبارک بوده و زمینه را برای تکامل تجربه فقهی هموار می‌کند. مسائل نوظهور در برابر فقه، موجب می‌شود فقها فعالیت بیشتری بکنند، افق‌های جدیدی بگشایند، و لایه‌های عمیق‌تر و بیشتری از فقه را عرضه کنند. در این صورت، چالش‌ها نه به بحران بلکه به تکامل و تعالی فقه می‌انجامد.

۴. تکامل فقه هرگز به معنای دست کشیدن از اصالت‌های فقه، یا تضعیف شریعت، و یا خروج از دامنه و دایره واقعیت و جوهره فقه نیست. شریعت تمامیت‌ها و اصالت‌هایی دارد که فقه در تجربه و تفکر فقهی‌اش باید به آن نزدیک‌تر بشود.

فرصت‌ها (دو فرصت)

فرصت اول: انتقال ذهنیت و تجربه فقهی به فضاها و مسائل کلان جهانی و انسانی

فرصت دوم: امکان یابی فقه برای پرداختن آزادانه‌تر، دقیق‌تر، و مناسبت‌محورتر به جنبه‌های آئینی و مراسمی

توضیح فرصت‌ها

۱. کرونا زمینه‌ها و فرصت‌هایی را پدید آورده است که در آن فقیهان و پژوهشگران فقهی از خاستگاه‌ها و جایگاه‌های محدود و معطوف به یک وضعیت خرد قومی و مذهبی انتقال پیدا می‌کنند به یک وضعیت اجتماعی کلان، گسترده، و جهانی و انسانی. این یک فرصت بسیار بزرگی است که فراروی فقه گشوده شده است. چرا باید این را فرصت دانست؟ چرا انسانی اندیشی برای فقه باید یک فرصت تلقی شود؟ فرصت بودن «جهانی و انسانی بودن» دلایلی دارد که من به

یک دلیل از آن اشاره می‌کنم. آنچه دین و همین‌طور مذهب شیعه از مهدویت ارائه می‌کند، آمیخته است از نگاه‌های جهانی، انسانی، عدل محوری نسبت به همهٔ اینای بشر. عدالت مهدوی، عدالتی جامع و جهانی و انسانی خواهد بود فارغ از اینکه نفع برندگان و استفاده‌کنندگان از این عدل مسلمانان باشند یا غیر مسلمانان. بنابراین نگاه کلان و خارج از قومیت در دین و مذهب یک امر تعبیه شده و نهادینه شده در صلب و اساس دین است. برای همین زمینه برای جهانی اندیشی و انسانی اندیشی برای فقه یک فرصت است. بدین سان فقه باید یک پُرکاری متناسب با همین فرصت و ظرفیت داشته باشند، این فرصت‌ها را بهنگام درک کنند و آن را به بحث و گفتگو بگذارند و از آن در زیست دینی دینداران استفاده کنند.

۲. فرصت دیگری که با کرونا برای علم فقه به وجود آمده، امکان یابی فقهی آزادانه‌تر، دقیق‌تر، و با تمرکز بیشتر در مناط و قاعده‌های اساسی معطوف به جنبه‌های آئینی است. البته بخشی از این بحث مربوط به علم کلام است.

می‌توان دین را به سه بخش تقسیم کرد:

۱. بخش بینشی با محوریت اجتماعات دینی و شعائر دینی. این بخش را عمدتاً علم فقه تصدی و تنظیم می‌کند. فقه در این بخش به تنظیم شعائر و تأمین چارچوب و محتوای آنها و نسبت آنها با یکدیگر می‌پردازد.

۲. بخش دوم، بینشی با محوریت اعتقاد و معرفت و دلدادگی به خداوند است. محور اصلی در این بخش، اعتقاد به خدا و دلدادگی به خداست.

۳. سومین بخش دین، بخش توقعی است. اینکه مردم چه توقعی از دین دارند. اینکه مردم توقع دارند که دین و نهادهای دینی و نمادهای دینی، شفا بدهند و مشکلات روزمره مردم را حل کنند. شفاخواهی از نهادهای دینی و نمادهای دینی یک کارکرد خیلی فوری دین است که مردم توقع دارند که مشکلات، امراض، و گرفتاری‌ها را جبران و حل کند. این بخش (بخش توقعی) عمدتاً دست مردم است هرچند فقه و فقه‌ها نیز ممکن است در آن اثرگذار باشند. گاه زمام توقعات دینی مردم از دست عالمان گرفته می‌شود و خواست‌های متراکم و لحظه‌ای مردم خودش را بر فقه تحمیل می‌کند. مشکلی که در این میان هست، اینکه منطق دین و ابعاد این منطق در قبال تنظیم این توقعات مغفول واقع می‌شود.

ربط این سه بخش

این سه بخش چه ربطی به مدعای بحث دارد که کرونا فرصتی برای فقه پیش آورده است؟ در این باره چند نکته را باید در نظر گرفت.

الف) دامنه‌ها و ابعاد بخش دوم (ابعاد معرفتی) و سوم (ابعاد مردم و توقع آنها) گاه در کشاکش با هم قرار می‌گیرند. این کشاکش نوعاً نهان (البته با بازتاب‌های قابل رؤیت) و البته تدریجی است. بخش معرفتی و ارتباطی با خدا با بخش توقعی (که بخش فوریات است) در اصطکاک قرار می‌گیرد. البته این اصطکاک از حیث جوهر دین نیست، به لحاظ جوهری تضادی نیست بین با خدا بودن و از خدا خواستن و دعا کردن و توسل جستن. اصل دعا و توسل از اقتضائات مسلم و غیرقابل انکار است. در قرآن هم این مسئله فراوان مورد تأکید قرار گرفته است؛ لیکن دامنهٔ بخش توقعی که زمام آن به دست مردم و نه علما است موجب می‌شود توقعات از دین دامنه‌هایی پیدا کند و این دامنه گسترده تضادی با قلمرو بخش دوم پیدا کرده و اختلاط و اختلالی در مرز بین این دو به وجود بیاید.

کشاکش بین بخش دوم و بخش سوم، دو چالش دیگر هم درست می‌کند؛ گاه همین بخش توقعی اصالت‌هایی پیدا می‌کند که این اصالت انتظارات از دین، موجب اصطکاک‌هایی با توجه به خدا و غرورشکنی در برابر خدا و تضرع در برابر خدا می‌شود. در این وضعیت، گویا دین غیر از حل مشکلات انسان کاری ندارد. در این صورت اساساً حل مشکلات اصالت پیدا می‌کند و حل مشکلات به جای معرفت خداوند می‌نشیند. دامنه گسترهٔ این توقعات و بی‌رویه بودن آن اصالت بُعد معرفتی را تحت الشعاع قرار می‌دهد. این چالش دومی است که با فربه شدن توقعات از دین، فضا برای ابعاد معرفتی و بخش دوم اساساً تنگ می‌شود.

ب) بخش اول که در اختیار فقه است متأثر می‌شود از کشاکش بین بخش دوم (معرفتی) با بخش سوم (بخش توقعات مردمی). اگر بخش سوم فضا را بر بخش دوم تنگ کند، در این صورت راه تنفس برای قابلیت‌های فقهی، مناط فقهی، اهداف فقهی بسته خواهد شد. چون یک وضعیت کلیشه‌ای را مردم به دین تحمیل می‌کنند و در این وضعیت کلیشه‌ای، قابلیت‌های فروخته در فقه مجال ظهور پیدا نمی‌کند.

ج) آنچه در شرایط کرونایی رخ می دهد تقویت بینشی دین است. شاید اساسی ترین فایده مترتب بر بیماری های این گونه ای که همه مناسبات را متأثر می کند، تقویت بینشی دین به مثابه یک رهاورد است. بینش معرفتی و دینی در این وضعیت، بی پیرایه تر، جدی تر، معنادارتر، و عمیق تر می شود. به موازات این عمق یابی و معنایابی ابعاد معرفتی، بخش توقعی مردم از دین دچار تعدیل می شود. در این بستر آنچه که اهمیت پیدا می کند تخلق به اخلاق خدا و شکسته شدن غرور انسان در برابر خدا است.

#### چالش ها (دو چالش)

۱. برآمدن و آشکار شدن نیاز جامعه به پاسخ های دینی فراتر از پاسخ های صرفاً فقهی (جامعه کرونا زده به یک پاسخ های جامع الاطراف و فراتر از پاسخ های فقهی و صرفاً فقهی نیاز دارد) و ۲. نیاز جامعه به پاسخ های فوری و بهنگام و نه پاسخ های کند و بطئی.

#### توضیح چالش ها

۱. چالش اول این است که ما به پاسخ های جامع تر و کامل تری را لازم داریم. پیش از این فقه اصغر با فقه اکبر درهم تنیده و مرتبط با هم بدانیم. الان متأسفانه بین این دو فاصله افتاده است. در دوران قدیم، فقه معطوف به تهذیب نفس بود، فقه حاوی نگرش های معرفتی و کلامی بود. درحالی که اکنون این ظرفیت عمیق مدت هاست ناعمال و یا کم فعال شده است. این درحالی است که جامعه کرونزده امروز پاسخ جامع فقهی، کلامی، عرفانی می خواهد. در این میان فقه نباید از کل دین نمایندگی بکند. پاسخ های فقهی باید برآمده از نگاه های کلامی و عرفانی دقیق و تهذیب نفس و دعامحور باشد. این نه بدان معناست که یک جا نکته ای فقهی، و جای دیگر نکته ای کلامی، اخلاقی و یا عرفانی گفته شود، بلکه منظور آن است که فتوای فقهی به صورت هوشمند و چارچوب دار بتواند پاسخی جامع ارائه کند.

۲. چالش دوم اینکه، اساساً امروزه با عنایت به تحولات سریع و شتابنده، فقه باید بتواند پاسخ های فوری آماده کند. کرونا شیوع فوری دارد و مسئله هایش هم به طور متراکم و سریع در زمینه های مختلف بازتاب پیدا می کند و جامعه را فوراً متأثر از خود می کند. در این شرایط اگر فقه بخواهد تأخیر داشته باشد، امروز فردا بکند، نمی تواند در برابر این حادثه بزرگ پاسخ های مؤثر و لازم را ارائه بکند. اگر مباحث حقوقی بر زمین بماند، اگر قوانینی که باید به سرعت تدوین شود. فقه آن را معطل بگذارد، طبیعی است که مشکلات حل نخواهد شد. نباید گفت که ما تجربه نداشتیم، حوزه می باید بسیاری از کارهایش را تعطیل کند و به سرعت به سمت تهیه پاسخ های جامع و پاسخ های برخورداری از الگو حرکت کند.